

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

◀ ▶ ↺ 🔍

HAARETZ

دلیل اخراج: تبانی برای اقدام نظامی علیه ایران

براساس گزارشی که واشنگتن‌پست منتشر کرده‌است، تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای برکنار کردن مایکل والتز، مشاور امنیت ملی‌اش تا حدی به دلیل خشم رئیس‌جمهور از گفت‌وگوهای محرمانه والتز با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل برای طراحی حمله به ایران بود. به گفته مقام‌های ارشد آمریکایی ترامپ به این دلیل خشمگین بود که پس از سفر نتانیاهو به واشنگتن در ماه فوریه، والتز با این نظر نتانیاهو همسو بود که «زمان برای حمله به ایران مناسب است». منابع به واشنگتن‌پست گفته‌اند که والتز «پیش از دیدار رهبر اسرائیل و ترامپ در حال هماهنگی‌های جدی با او برای بررسی گزینه‌های نظامی علیه ایران بود و این هماهنگی‌ها باعث کلافگی رئیس‌جمهور شده‌است.» یک مقام آگاه به واشنگتن‌پست گفته‌است که «این موضوع به اطلاع ترامپ رسید و رئیس‌جمهور از آن ناراضی بود» و اینکه والتز «سیاست‌های آمریکا را به سمتی هدایت می‌کرد که ترامپ با آن راحت نبود، چراکه ایالات متحده هنوز حل‌ده دیپلماتیک را نایزوده بود.» بنیامین نتانیاهو عصر روز شنبه با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس این موضوع را تکذیب کرد و گفت هر دو دیدار او با والتز در واشنگتن در حضور دیگر مقام‌های کاخ سفید بود هرگز در مورد ایران یا والتز به صورت خصوصی گفت‌وگو نکرده‌است. برخی مقام‌های کاخ سفید گفته‌اند که والتز تلاش می‌کرد تا «تراژو را به سمت اقدام نظامی سنگین کند» درحالی‌که از نزدیک با مقام‌های اسرائیلی همکاری می‌کرد. این رفتار والتز با انتقادهای تندی در میان نزدیکان ترامپ مواجه شد. یک مشاور ترامپ به واشنگتن‌پست گفته‌است: «این کار درست نیست. تو برای رئیس‌جمهور کشور خود کار می‌کنی، نه برای رئیس‌جمهور یک کشور دیگر.» نه والتز و نه کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید حاضر به پاسخگویی در مورد محتوای این گزارش نشده‌اند.

روز پنج‌شنبه‌بود که چندین رسانه آمریکایی گزارش دادند والتز و الکس وانگ، معاونش از کار خود برکنار شده‌اند. بر اساس این گزارش‌ها دلیل اصلی این برکناری این بود که در قضیه انتشار عمومی برنامه‌های حمله به شورشیان حوثی در یمن، مایکل والتز فردی بود که جفری گلدبرگ، سردبیر نشریه آت‌ان‌تیک را به صورت تصادفی به چت گروهی مقام‌های آمریکایی در اپلیکیشن سیگنال اضافه کرده‌بود. اما افراد آگاه از مسائل پشت‌پرده کاخ سفید معتقدند که پیش از این اتفاق اختلاف‌نظرهای سیاسی، به‌ویژه در خصوص اسرائیل و اقدام بالقوه نظامی علیه ایران، باعث شده‌بود تا زیر پای والتز خالی شود. او بر موضع‌گیری‌های تندروانه و جنگ‌طلبانه علیه ایران پافشاری می‌کرد و اصرار داشت که تهران نباید به هیچ‌وجه توانایی غنی‌سازی اورانیوم داشته‌باشد. این‌س موضوع باعث ایجاد اختلاف جدی میان او و استیو ویتفاک، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور شده‌بود. برکناری و تنزل مقام والتز در شرایطی اتفاق افتاد که رقابت‌ها در میان دو اردوگاه سیاسی درون دولت ترامپ برای شکل دادن به سیاست در قبال ایران تشدید شده‌است. یک دسته از اطرافیان ترامپ تلاش می‌کنند سیاست دولت آمریکا را به سمت راه‌حل دیپلماتیک ببرند و عده‌ای دیگر تلاش می‌کنند یک حمله‌نظامی را در هماهنگی با اسرائیل عملی کنند. هفته گذشته کاخ سفید مایکل آنتون، یک مقام ارشد وزارت خارجه که به خاطر اشتیاقش به شعار «اول آمریکا» جنجالی شده‌است به عنوان رئیس هیئت مذاکره‌کننده فنی و کارشناسی آمریکا در مذاکرات هسته‌ای با ایران منصوب کرد. آنتون نسبت به حمله نظامی به ایران اظهار بدبینی کرده‌است. هم‌زمان یک‌شنبه هفته گذشته تندروهای هوادار اسرائیل به یک پیروزی مهم در دولت ترامپ دست پیدا کردند و مرف اسرن، یک شهروند دوتابعیتی آمریکایی-اسرائیلی که مشاور شناخته‌شده مقام‌های حزب جمهوری‌خوا است و روابط بسیار نزدیکی با اندیشکده‌های هوادار اسرائیل دارد، به عنوان مسئول مسائل اسرائیل و ایران در شورای امنیت ملی کاخ سفید منصوب شد. مارکو روبریو، وزیر خارجه آمریکا به عنوان جانشین موقت والتز معرفی شده‌است که نشان‌دهنده تغییر احتمالی در سیاست‌های آمریکا نسبت به خاورمیانه خواهد بود و مایک والتز از سوی دونالد ترامپ به‌عنوان نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد معرفی شده‌است.

عکس: president

دیپلماسی



گزینه‌های سخت

تهران و واشنگتن برای توافق راه سختی پیش رو دارند اما نرسیدن به توافق برای هر دو طرف مخاطره‌آمیز است



شهاب شهنواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

درست ۷ سال پیش در چنین روزهایی (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در دومین سال دور نخست ریاست‌جمهوری خود اعلام کرد که به صورت یکجانبه از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران، برجام، خارج می‌شود و تمامی تحریم‌هایی را که بر اثر این توافق مرتفع شده‌بود، مجدداً علیه ایران اعمال می‌کند. دونالد ترامپ بلافاصله مجوزی ۶ ماهه برای تعدادی از کشورهای اروپایی و آسیایی که خریدار نفت ایران بودند صادر کرد تا در طول این مدت خرید نفت خود را از ایران به صفر برسانند و از آبان ماه همان سال اعلام کرد که قصد دارد فروش نفت ایران را به صفر برسانند. حالا نزدیک به ۷ سال از آن زمان گذشته‌است. سیاست‌دولت نخست‌ترامپ که به کارزار فشار حداکثری مشهور شد، به‌رغم آسیب‌های بنیادینی که به اقتصاد ایران و معیشت شهروندان ایرانی وارد کرد، به هیچ‌یک از اهداف اصلی خود نرسید. ترامپ هدف خود را از این اقدام رسیدن به توافقی «بهتر» با ایران عنوان کرده‌بود. مذاکره برای توافق بهتر مدنظر ترامپ هرگز عملی نشد. دولت نخست ترامپ نه‌تنها موفق نشد با اعمال فشار حداکثری ایران را وادار به مذاکره کند، بلکه براساس آمار منتشرشده توسط موسساتی که عبور و مرور نفتکش‌ها را رصد می‌کنند، تهران تا شهریور ۱۳۹۹، زمانی که ترامپ همچنان در مقام ریاست‌جمهوری قرار داشت توانسته‌بود بخش بزرگی از صادرات نفت و معیانات گازی خود را جبران کند و روزانه نزدیک به معادل یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه نفت خام به خارج صادر کند. خروج آمریکا از برجام باعث شد تا ایران تمامی تعهدات هسته‌ای خود را در این توافق در اقدامی تلافی‌جویانه، بر مبنای برجام، کنار بگذارد. اکنون با گذشت ۷ سال از خروج آمریکا از برجام، ایران سال‌پیش از زمانی که در برجام پیش‌بینی شده‌بود، بدون کوچک‌ترین محدودیتی به غنی‌سازی سوخت هسته‌ای و افزایش روزافزون ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود اقدام می‌کند و فناوری‌هایی را که بر اثر برجام استفاده از آنها محدود شده‌بود، مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد. همه این اقدامات در حالی اتفاق می‌افتد که ایران بخش اعظم نظارت‌ها و بازرسی‌های هسته‌ای مضاعفی را که تحت برجام پذیرفته‌بود، لغو کرده‌است. سال ۲۰۲۱ با آغاز به کار دولت بایدن در آمریکا، مقام‌های دولت بایدن سیاست «فشار حداکثری» را یک «شکست حداکثری» توصیف کردند. سال ۲۰۲۵ دونالد ترامپ در شرایطی برای دور دوم کار خود را در کاخ سفید آغاز کرد که تحولات ژئوپلیتیک عظیمی در منطقه و جهان رخ داده‌است. تحولاتی مانند جنگ اوکراین، جنگ غزه و عادی‌سازی روابط دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی، باعث شده‌است که دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ در شرایط کاملاً متفاوتی نسبت به گذشته آغاز شود. هر چند یکی از نخستین اقدام‌های ترامپ در ماه نخست ریاست‌جمهوری‌اش امضای یادداشت ریاست‌جمهوری برای احیای سیاست فشار حداکثری امضا کرد، اما بر خلاف دوره گذشته که وزیر خارجه وقت آمریکا ۱۲ پیش‌شرط برای مذاکره با ایران تعیین کرده‌بود، این بار واشنگتن عزم خود را برای مذاکره بدون پیش‌شرط با ایران اعلام کرد. دونالد ترامپ در سخنان علنی خود این بار فقط یک‌خاسته‌را مطرح کرده‌است: اینکه ایران هرگز به‌سلاح اتمی دست‌پیدا نکند. آمادگی دولت آمریکا برای مذاکره بدون پیش‌شرط و وضعیت بغرنج اقتصادی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران، پس از ۷ سال اجرای تحریم‌های شدید آمریکا، باعث شد تا ۲۳ فروردین کمتر از سه ماه بعد از آغاز به کار دولت جدید ترامپ، مذاکرات غیرمستقیم میان دو طرف با تسهیل‌گری عمان آغاز شود.

دولت مذاکره

یک سال پیش درگذشت سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور فقید ایران در حادثه سقوط بالگرد باعث شد تا انتخابات ریاست‌جمهوری یک سال زودتر از موعد مقرر برگزار شود. مسعود پزشکیان، نماینده مجلس شورای اسلامی که یکی از نامزدهای مورد تایید از سوی جبهه اصلاحات در ایران بود، برخلاف انتظار برای رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری ۸ تیر ۱۴۰۲ از سوی شورای نگهبان تایید صلاحیت شد. حضور یک نامزد منتسب به جناح اصلاح‌طلب در فرآیند انتخابات باعث شد تا بار دیگر موضوع عادی‌سازی روابط با غرب و مذاکرات هسته‌ای در صدر مباحث سیاست داخلی ایران قرار بگیرد. دولت سیدابراهیم رئیسی، به‌رغم چند دور مذاکره از آذرماه ۱۴۰۰ در چارچوب گفت‌وگو با طرف‌های برجامی و به‌صورت غیرمستقیم با آمریکا، نتوانسته‌بود در دوران بایدن برجام را احیا کند و تحولات ژئوپلیتیک، از جمله اعتراضات پانیز ۱۴۰۱ در ایران و ادعای سرکوب اعتراض‌ها از سوی دولت‌های غربی، آغاز جنگ اوکراین و انتشار مدارکی در مورد فروش تسلیحاتی ایرانی به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین و نهایتاً آغاز جنگ غزه در سال ۱۴۰۲، باعث شد تا عمق اختلاف‌ها میان ایران و غرب به شدت افزایش پیدا کند و مذاکرات برای احیای برجام کاملاً به محاق رود. مسعود پزشکیان، پس از تایید صلاحیت در انتخابات ۱۴۰۲، محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین ایران را که به‌عنوان یکی از معماران توافق برجام شناخته‌می‌شد، به عنوان مشاور نزدیک خود برگزید. بعد از پایان دور نخست انتخابات، مشخص شد که مسعود پزشکیان و سعید جلیلی، مذاکره‌کننده پیشین هسته‌ای ایران که به رویکرد ضدغربی و تقابل‌جویانه در مذاکرات مشهور بود، دو نامزد دور دوم انتخابات هستند. حضور پزشکیان با شعار تعامل و مذاکره با همه جهان در برابر سعید جلیلی، عملاً انتخابات را به آوردگاه دوگانه مذاکره و عدم مذاکره تبدیل کرد. در آن دوران هنوز کسی پیش‌بینی نمی‌کرد که دونالد ترامپ برای یک دوره چهارساله دیگر به ریاست‌جمهوری آمریکا برگزیده‌شود. پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳، نشان داد که رای‌دهندگان ایرانی مذاکره با غرب را به مسیر تقابل ترجیح می‌دهند. مسعود پزشکیان با انتصاب محمدجواد ظریف به عنوان معاون خود و انتخاب سیدعباس عراقچی، مذاکره‌کننده ارشد پیشین ایران در مذاکرات برجام و معاون پیشین ظریف به‌عنوان وزیر امور خارجه، نشان داد که موضوع مذاکره با غرب برای او از اهمیت جدی برخوردار است. انتخاب پزشکیان در تقابل با جلیلی، باعث شد یکی از انتظارات عمومی از دولت جدید ایران مذاکره با غرب باشد. حتی بعد از اینکه در پی امضای یادداشت ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ مبنی بر احیای سیاست فشار حداکثری، مقام‌مظم رهبری با مذاکره موافقت نکردند، مسعود پزشکیان در مجلس شورای اسلامی گفت: «بنده معتقد بودم باید گفت‌وگو کرد ولی وقتی مقام‌مظم رهبری گفتند با آمریکا گفت‌وگو نشود گفتم گفت‌وگو نخواستیم کرد.» نهایتاً پس از ارسال پیام دونالد ترامپ خطاب به رهبری و پاسخ ایران به این پیام، مذاکرات میان ایران و آمریکا از روز ۲۳ فروردین در مسقط به صورت غیرمستقیم آغاز شد. هر چند مسعود پزشکیان با اختلاف ناچیز در انتخاباتی با حضور تنها نیمی از واجدان شرایط به ریاست‌جمهوری انتخاب شد، اما توفیق او در رسیدن به توافق با آمریکا و رفع تحریم‌ها، می‌تواند به عنوان یک موفقیت بزرگ برای او تلقی شود که جایگاه دولت او را در افکار عمومی به شکل چشمگیری بهبود خواهد داد. با استمرار تحریم‌ها و بحران جاری در خاورمیانه، از جمله درگیری‌های مستقیم میان ایران و اسرائیل و تهدیدهای گاه و بی‌گاه آمریکا به جنگ، شاخص‌های ملموس معیشتی به سرعت در حال سقوط است و جامعه ایران به شدت مستعد نارضایتی است. در چنین شرایطی دولت برای حفظ پایگاه اجتماعی که‌رمقی که در

انتخابات ۱۵ تیر به دست آورد، نیازمند گشایش اساسی در روابط خارجی است. نوسانات شدید در بازار غیررسمی ارز و بازار سهام هم‌زمان با مذاکرات و حتی واکنش‌های بازار به شایعات یا تغییر تاریخ گفت‌وگوها، نشان می‌دهد که جامعه ایران با حساسیت بسیار بالایی این مذاکرات را دنبال می‌کند و شکست آن ممکن است باعث ضربه جدی به اعتماد عمومی شود.

نیاز متقابل

به نظر می‌رسد که تهران و واشنگتن هر دو علاوه بر اینکه برای رسیدن به توافق اظهار تمایل کرده‌اند، به چنین توافقی نیاز هم داشته‌باشند. ایران به دلیل تحمل سال‌ها تحریم اقتصادی، با مشکلات اقتصادی و اجتماعی متعددی مواجه شده‌است. استهلاک زیرساخت‌ها در نبود سرمایه‌گذاری جدید، منابع محدود مالی و عدم دسترسی به درآمدهای ارزی به دلیل تحریم‌ها (و البته فقدان ارتباطات بانکی به دلیل نپذیرفتن استانداردهای کارگروه اقدام مالی FATF) باعث شده‌است تا وضعیت معیشتی ایرانیان دچار مشکلات زیادی شود و استانداردهای زندگی برای شهروندان ایرانی به شکل چشمگیری کاهش پیدا کند. این مشکلات نارضایتی‌های اجتماعی را بیش از پیش زده‌است و نگرانی‌های امنیتی را در داخل افزایش داده‌است. هم‌زمان با این وضعیت در داخل، تحولات خارج از کشور به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، باعث شد تا گزینه‌های ایران دچار تغییراتی شود. جنگ ۱۸ ماهه غزه، بخش بزرگی از توان گروه‌های متحد ایران را در منطقه به خود معطوف کرد و درگیری در جنگ بایکی از مجزیزترین ارتش‌های جهان با پشتیبانی کامل آمریکا باعث شد قدرت مانور گروه‌های متحد ایران در منطقه کاهش پیدا کند. سقوط حکومت بشار اسد نیز واقعه دیگری بود که باعث شد این یکی از نزدیک‌ترین متحدان دولتی خود در منطقه را از دست‌دهد. در چنین شرایطی ایران بیش از پیش نیازمند گشایش دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها در منطقه و جلوگیری از یک‌درگیری نظامی بالقوه بود. هر چند مقام‌های نظامی ایران بارها تاکید کرده‌اند که ایران آمادگی کافی برای پاسخگویی به هر تجاوز نظامی را دارد، اما تردیدی وجود ندارد که در شرایط اقتصادی کنونی، جنگ گزینه ار جح تهران نیست.

در طرف مقابل هم دولت دونالد ترامپ ترجیح می‌دهد از جنگ اجتناب کند. همانگونه که ۶ ماه قبل از شروع به کار ترامپ، دولت مسعود پزشکیان با شعار مذاکره و تعامل روی کار آمد، دولت دونالد ترامپ هم با شعار آغاز نکردن جنگ‌های جدید و پایان دادن به جنگ‌های احمقانه بی‌پایان رای آورد. دونالد ترامپ وعده‌های زیادی برای پایان دادن به‌منازعه‌های دیرپا و نوظهور آمریکا در سراسر جهان داد. هر چند توافقی با ایران یکی از وعده‌های اولویت‌دار او نبود، اما ناکامی در پایان دادن فوری به جنگ غزه و جنگ روسیه علیه اوکراین، باعث شد تا مذاکره با ایران در دسترس‌ترین توفیق دیپلماتیک برای دولت او محسوب شود. تردیدی وجود ندارد که جنگی جدید در خاورمیانه نه‌فقط برای ایران، بلکه برای آمریکا هم بسیار پرهزینه است و خلاف تمام وعده‌های دونالد ترامپ در دوران تبلیغات ریاست‌جمهوری‌اش است. دونالد ترامپ با تنزیل مقام‌مشاور امنیت ملی‌اش که به گزارش واشنگتن‌پست به دلیل «همکاری نزدیک با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل برای طراحی عملیات نظامی علیه ایران» از مقام خود برکنار شد، نشان داده‌است که به‌رغم ادبیات تند و تهدیدهای گاه و بیگاه ایران به «گزینه نامطلوب دیگر»، ترجیح می‌دهد از طریق یک توافق با تهران، هم از یک منازعه نظامی اجتناب کند و هم افتخار پایان دادن یک منازعه دیرپا را به خود اختصاص دهد.

وضعیت بغرنج

دولت ایران در حالی وارد مذاکره با آمریکا شده‌است که حتی توافق با آمریکا و مرتفع‌شدن تحریم‌هایی‌می‌تواند چالش‌های زیادی برای دولت ایجاد کند. در حال حاضر، منتقدان دولت که مخالفان سرسخت مذاکره با آمریکا محسوب می‌شوند، به دلیل هماهنگی کامل دستگاه سیاست خارجی کشور با بالاترین مقام‌های نظام برای گفت‌وگو با آمریکا، علناً حاضر به انتقاد از روند مذاکرات نیستند. اما رسیدن به یک توافق با آمریکا برای پایان دادن به تحریم‌ها، درست مانند دوران مذاکرات برجام، بار دیگر مخالفان را از لاک سکوت بیرون خواهدکشید. علاوه بر این در صورت رسیدن به توافقی برای رفع تحریم‌ها، محرومیت طولانی مدت اقتصاد ایران از منابع ارزی، می‌تواند در صورت مدیریت نادرست گشایش درهای اقتصاد ایران راه‌رویی منابع خارجی به چالشی بزرگ برای اقتصاد کشور تبدیل کند و کشور را گرفتار آن چیزی کند که اقتصاددانان از آن با عنوان «بیماری هلندی» یاد می‌کنند. صرف رسیدن به یک توافق برای ایران به تنهایی کارساز نیست و دولت جمهوری اسلامی ایران باید برای فردا پس از توافق نیز برنامه مدونی آماده کرده‌باشد.

مخالفان پرسرودا

همانگونه که ذکر شد، مخالفان داخلی تعامل ایران و غرب در حال حاضر در سکوت به سر می‌برند یا به‌رغم بی‌میلی از مذاکرات و مذاکره‌کنندگان حمایت می‌کنند. اما در سوی دیگر میز مذاکرات، منتقدان توافق واشنگتن با تهران، باصدایی بلندتر و واضح‌تر در مقابل یک توافق سنگ‌اندازی می‌کنند. رسانه‌های آمریکایی از شکاف جدی درون دولت آمریکا در مورد مواجهه با تهران سخن می‌گویند، به نوشته رسانه‌ها در حال حاضر تیم ترامپ به دو اردوگاه هواداران شعار «اول آمریکا» و نومحافظه‌کاران جنگ‌طلب تقسیم شده‌اند. مخالفان توافق با تهران در واشنگتن معتقدند که ترامپ ممکن است به‌توافقی ضعیف با تهران، دست‌پیدا کند که مشابه توافقی برجام، فقط به‌مسائل هسته‌ای منحصر باقی بماند و مسائلی مانند رفتارهای منطقه‌ای ایران و برنامه دفاعی ایران از جمله توانایی موشکی را در بر نگیرد. در عین حال متحدان اسرائیلی ترامپ هم به شدت مخالف رفع تحریم‌ها